مُنادیانِ اُمّت

دو هفته نامه منادیان امت | شماره بیست و شش | نیمه اول اردیبهشت ماه ۱۴۰۵

تنگه هرمز

تسلط بر تنگه هرمز این امکان را فراهم می‌آورد تا بدون نیاز به شلیک حتی یک گلوله یا ورود به درگیری نظامی مستقیم، دست برتر در میز مذاکرات حفظ شود.

دیپلماسی از موضع قدرت

مقاومت به دنبال تبدیل دستاوردهای میدانی به منافع پایدار سیاسی است نه فروش آن ها در ازای وعده.

بیانیه علمای خارجی و داخلی

در اختیار قرار دادن پایگاه‌های نظامی آمریکایی و اسرائیلی برای حمله به ایران، خیانتی بزرگ به امت اسلام است.

بعثت امت

بعثت امت، شکست فرعونیان

چهل شب و روز است که خداوند متعال پیشوای این امت را به میقات خود فراخوانده؛ اما این‌بار برخلاف آنچه در عصر کلیم‌الله رخ داد، اصحاب رهبر شهید و امت او برای اقامه حق و مقابله با باطل مبعوث شدند و چون کوههای استوار در برابر سامری و گوساله‌اش ایستادگی کرده و همچون گدازه‌های آتشین بر سر متجاوزان و فرعونیان فرود آمدند.

بخشی از پیام حضرت آیت‌الله سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای / ۲۰ فروردین ۱۴۰۵

سرشیطان

امت اسلامی در مقطع حساس «جنگ رمضان» درگیر یک نبرد ترکیبی و چندلایه با محوریت تقابل با آمریکا و رژیم صهیونیستی است. این نبرد دارای چهار لایه همزمان است:

- **لایه نظامی:** درگیری مستقیم و نیابتی در چندین جبهه از غزه تا یمن و لبنان
- **لایه دیپلماتیک:** کشمکش بر سر شکل‌دهی به ائتلاف‌های منطقه‌ای
- **لایه سایبری:** عملیات اطلاعاتی و ضربه به زیرساخت‌های اقتصادی حامیان استکبار
- **لایه شناختی:** نبرد روایت‌ها برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی امت اسلامی و جهانیان

در این میان، خطرناک‌ترین جبهه، جنگ شناختی است. تلاش مستمر جریان‌های افراطی و وهابیت برای از بین بردن وحدت اسلامی، با پمپاژ شبهات دروغین مبنی بر اینکه «شیعیان، اهل سنت را کافر می دانند» هدفی جز تقلیل یک نزاع انسانی و اسلامی در دفاع از فلسطین به یک جنگ فرقه‌ای ندارد.

جنگ شناختی در واقع مبتنی بر یک معادله ساده است:

هرچه انسجام درونی امت بیشتر باشد، این معادله به نفع مقاومت خواهد بود. از این رو، این بولتن با تجمیع تمامی رویدادهای میدانی و فقهی اخیر، نقشه راهی برای مقابله با این توطئه و تقویت انسجام تمدنی ارائه می‌دهد.

محور اول: پدافند شناختی در برابر فتنه‌انگیزی وهابیت و جریان‌های تکفیری

پایه اول: اسلام با شهادتین محقق می‌شود

در فقه امامیه (شیعه دوازده امامی) و تمامی مذاهب معتبر اهل سنت، مرز ورود به دایره‌ی اسلام، اقرار به توحید (لا اله الا الله) و نبوت پیامبر اکرم (محمد رسول الله) است. با گفتن این دو جمله، فرد عنوان «مسلمان» را پیدا می‌کند و تمامی احکام اسلامی اعم از طهارت، حلیت ذبیحه، جواز ازدواج، توارث و از همه مهم‌تر «حرمت جان، مال و آبرو» (محقون الدم بودن) بر او بار می‌شود. شیعه، اعتقاد به «امامت» را شرط ایمان (کمال دین در آخرت) می‌داند، نه شرط اسلام (احکام دنیوی). بنابراین، اهل سنت از دیدگاه فقه شیعه، مسلمانِ کامل در حقوق دنیوی هستند.

قرآن کریم: آیه ۹۴ سوره نساء: «...وَ لَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَى إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا...» (و به کسی که به شما سلام (اظهار اسلام) می‌کند نگویید مؤمن نیستی).

احادیث شیعه: در کتاب اصول کافی (مهم‌ترین منبع روایی شیعه)، باب «ان الاسلام یحقن به الدم...»، حدیثی از امام صادق (ع) نقل شده است: «الْإِسْلَامُ هُوَ الظَّاهِرُ الَّذِي عَلَيْهِ النَّاسُ شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللَّهِ وَ إِقَامُ الصَّلَاةِ وَ إِيتَاءُ الزَّكَاةِ وَ حِجُّ الْبَيْتِ وَ صِيَامُ شَهْرِ رَمَضَانَ» (اسلام همان ظاهر است که مردم بر آن‌اند: شهادتین، نماز، زکات، حج و روزه).

فتاوای مراجع تقلید:

امام خمینی (ره): در کتاب تحریر الوسیله (کتاب الطهاره، باب نجاسات)، صراحتاً تمام فرق اسلامی را پاک و مسلمان می‌دانند، مگر خوارج و نواصب (کسانی که با اهل بیت دشمنی علنی دارند) و غلات (کسانی که برای ائمه مقام خدایی قائل‌اند).

آیت‌الله العظمی سیستانی: در فتوای مشهور خود فرمودند: «لا تقولوا اخواننا السنة، بل قولوا أنفسنا السنة» (نگویید برادران اهل سنت ما، بلکه بگویید جان‌های ما). ایشان جان، مال و عرض اهل سنت را کاملاً محترم می‌شمارند.

پایه دوم: مفهوم «مستضعف فکری» در کلام شیعه

مستضعف در اصطلاح قرآنی و کلامی، صرفاً به معنای فقر مالی یا ضعف جسمی نیست؛ بلکه شامل «استضعاف فکری و عقیدتی» نیز می‌شود. علمای شیعه معتقدند اگر مسلمانی (یا حتی غیرمسلمانی) به دلیل شرایط جغرافیایی، عدم دسترسی به منابع صحیح، یا تربیت در یک محیط خاص، به حقانیت مذهب شیعه پی نبرده باشد، اما در قلب خود عناد و دشمنی با حق نداشته باشد (یعنی «قاصر» باشد نه «مقصّر»)، خداوند او را به دلیل جهلش عذاب نمی‌کند و مشمول رحمت الهی است. تکفیر تنها مختص کسی است که حق را به طور کامل شناخته و از روی لجاجت و دشمنی (جحود) آن را انکار کند.

قرآن کریم: آیات ۹۷ تا ۹۹ سوره نساء که پس از اشاره به ظالمان، مستضعفین را استثنا می‌کند: «إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا فَأُولَئِكَ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَعْفُوَ عَنْهُمْ...» (مگر آن دسته از مردان و زنان و کودکانی که واقعاً تحت فشار قرار گرفته اند؛ نه چاره‌ای دارند و نه راهی می‌یابند. امید است که خداوند از آنان درگذرد).

منابع کلامی و فلسفی:

شهید مرتضی مطهری: در کتاب عدل الهی (بخش اعمال خیر غیرمسلمانان)، به تفصیل بحث «قاصر و مقصر» را باز کرده و اثبات می‌کند که اکثریت قاطع غیرشیعیان جهان، چون از روی عناد با اهل بیت مخالفت نمی‌کنند، مستضعف فکری محسوب شده و اهل نجات و رحمت‌اند.

شیخ انصاری: در کتاب فرائد الاصول (رسائل)، در بحث «برائت»، به وضوح میان جاهل قاصر (که معذور است) و جاهل مقصر تفاوت قائل می‌شود.

پایه سوم: تفکیک اختلاف عقیدتی از تکفیر

تاریخ اسلام مملو از مناظرات و اختلافات کلامی (مثل جبر و اختیار، حدوث یا قدم قرآن، صفات خدا) و فقهی (مانند نحوه وضو، ارث، و...) میان مکاتب مختلف مانند اشاعره، ماتریدیه، معتزله و امامیه است. در سنت اصیل اسلامی، اختلاف در فروع دین یا حتی برخی از اصول کلامی، باعث خروج از دین نمی شود. خروج از دین (ارتداد و تکفیر) تنها در صورت انکار «ضروریات دین» (مانند اصل توحید، اصل نبوت پیامبر اسلام، معاد، یا وجوب نماز) رخ می‌دهد. خلط میان «تخطئه» (اشتباه دانستن نظر دیگری) با «تکفیر» (کافر دانستن دیگری) مغالطه‌ای است که جریانات تکفیری برای ایجاد تفرقه از آن استفاده می کنند.

سیره عملی علما در تاریخ: همزیستی مسالمت‌آمیز و مباحثات علمی علمای شیعه و سنی در مراکزی مانند بغداد (دوران آل بویه)، حله، و الازهر مصر. کتاب الخلاف اثر شیخ طوسی (از بزرگترین فقیهان شیعه)، نظرات فقهی تمام مذاهب اهل سنت را در کنار نظر شیعه با احترام بررسی می‌کند و به هیچ وجه لحن تکفیری ندارد.

فتاوای تقریب مذاهب:

فتوای تاریخی شیخ محمود شلتوت: رئیس اسبق دانشگاه الازهر مصر، در سال ۱۳۷۸ ه.ق فتوای مشهوری صادر کرد و عمل به فقه مذهب جعفری (شیعه اثنی عشری) را مانند مذاهب چهارگانه اهل سنت (حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی) از نظر شرعی جایز و موجب برائت ذمه دانست.

رساله عمان (رسالهٔ عمّان): سندی که در سال ۲۰۰٤ میلادی با امضای بیش از ۲۰۰ نفر از مراجع، مفتیان و علمای طراز اول شیعه و سنی از ۵۰ کشور جهان منتشر شد و در آن تکفیر پیروان هر یک از مذاهب هشت‌گانه اسلامی (شامل شیعه جعفری و زیدی، و مذاهب چهارگانه سنی، ظاهری و اباضی) صراحتاً حرام اعلام گردید.

۱/۲. وحدت خون در میدان؛ دلیل عملی بر رد ادعاها

فراتر از مباحث نظری، میدان عمل صادق‌ترین گواه است. تقدیم خون فرماندهان ارشد شیعه از جمله شهید سپهبد قاسم سلیمانی ملقب به «شهید القدس» در راه دفاع از زنان و کودکان سنی‌مذهب غزه، فلسطین و لبنان، و حمایت چهل‌ساله از گروه های حماس و جهاد اسلامی به قیمت شدیدترین تحریم‌های اقتصادی تاریخ، دروغ بودن ادعای وهابیت را در عمل ثابت کرده است.

این واقعیت میدانی یک استدلال قیاسی ساده را شکل می‌دهد: اگر شیعه اهل سنت را کافر می‌دانست، هرگز ثروت ملی و خون بهترین فرزندان خود را برای دفاع از برادران سنی‌مذهب خود در غزه هزینه نمی‌کرد.

۱/۳. شناخت پروژه تفرقه

جریان‌های تکفیری برای اجرای پروژه تفرقه از چند ابزار مشخص بهره می‌برند که علما باید آن‌ها را برای امت شناسایی و معرفی کنند:

- انتساب اقوال شاذ به همه شیعه و برجسته‌سازی سخنان افراطی افراد نادر: در این موارد علما باید ارجاع به مواضع رسمی مراجع شیعه بدهند.
- خلط تاریخ با حال و نقل ماجراهای تاریخی برای ایجاد کینه امروزی: در این موارد علما باید تمرکز بر همکاری های معاصر داشته باشند.
- ترویج در فضای مجازی و انتشار محتوای هدفمند در شبکه های اجتماعی: در این موارد علما باید سواد رسانه‌ای را برای امت تبیین کنند.

محور دوم: دیپلماسی دینی و بیداری شبکه‌ای درون‌امتی

۲/۱. اجماع فراملی علمای اسلامی

صدور بیانیه مشترک توسط بیش از ۶۰ عالم از ۲۷ کشور خطاب به رابطهٔ العالم الإسلامی، از مفتی عراق تا علمای هند، عمان و مصر، یک رویداد تاریخی در دیپلماسی دینی معاصر است. این بیانیه:

- دفاع ایران را «عین حق مشروع» دانسته است.
- اختصاص پایگاه‌های نظامی کشورهای اسلامی به آمریکا و اسرائیل را با استناد به آیه ۱۱۳ سوره هود «خیانتی بزرگ» خوانده است.
- نشان می‌دهد که جغرافیای فقهی مقاومت از محدوده شیعه فراتر رفته و به یک اجماع فراملی تبدیل شده است.

متن بیانیه به این شرح است:

بیان صادر من علماء ونخباءالعالم الإسلامي بشأن موقف رابطة العالم الإسلامي

بیانیه صادر شده از سوی علما و نخبگان جهان اسلام در خصوص موضع اتحادیه جهان اسلام

بسم الله الرحمن الرحيم

أولاً: الدعوة إلى الحق

نحن نناشد رابطة العالم الإسلامي وجميع الهيئات الإسلامية أن تتقي الله في مواقفها، وألا تكون سيفاً يُسلّط على المستضعفين بدلاً من نصرة المظلومين. إن الواجب الشرعي والأخلاقي يقتضي محاكمة المعتدي قبل الضحية، ومواساة المنكوب أولى من تكذيبه وتجريحه. فاتقوا الله وأعيدوا النظر في بياناتكم المسارعة إلى إدانة من دافع عن حرمة أرضه.

اولاً: دعوت به حق

ما، از اتحادیه جهان اسلام و تمامی نهادهای اسلامی می‌خواهیم که در مواضع خود تقوای الهی پیشه کنند و شمشیری بر سر مستضعفان نباشند به جای آنکه یاور مظلومان باشند. وظیفه شرعی و اخلاقی، محاکمه متجاوز پیش از قربانی را ایجاب می‌کند و در وهله اول، همدردی با آسیب‌دیده را به جای تکذیب و مجرم انگاری او، اقتضا می نماید. پس، از خدا بترسید و در بیانیه‌های شتابزده خود که در آن از کسی که از حریم سرزمینش دفاع کرده است انتقاد کرده‌اید، تجدید نظر کنید.

ثانیاً: بیان حقیقة الدفاع المشروع

إن ما قامت به إيران من ردع عسكري على القواعد الأمريكية التي انطلق منها العدوان، هو عين الحق المشروع والدفاع الشرعي الذي أقرته جميع الشرائع السماوية والقوانين الدولية. نسألكم بصراحة: لو أن إسرائيل وأمريكا استخدمتا قواعد عسكرية في أراض إسلامية لقصف بلدكم، فهل كنتم ستصدرون فتوى بالجهاد المقدس دفاعاً عن الوطن والعرض، أم كنتم تدعون إلى ضبط النفس والخشوع؟ أليس من العار أن يتحدث عن الاعتدال من يرون استباحة الأراضي الإسلامية من قبل قوات الكفر لتضرب بها أرضاً إسلامية أخرى؟

ثانیاً: تبیین حقیقت دفاع مشروع

آنچه ایران در قالب بازدارندگی نظامی علیه پایگاه‌های آمریکایی که تجاوز از آنجا آغاز شد انجام داد، عین حق مشروع و دفاع شرعی است که تمامی قوانین آسمانی و بین‌المللی آن را به رسمیت شناخته‌اند.

صراحتاً از شما می‌پرسیم: اگر اسرائیل و آمریکا از پایگاه‌های نظامی در سرزمین‌های اسلامی برای بمباران کشور شما استفاده می‌کردند، آیا فتوای جهاد مقدس برای دفاع از وطن و ناموس صادر می‌کردید، یا به خویشتن‌داری و خشوع دعوت می نمودید؟ آیا شرم‌آور نیست کسانی که مباح شدن سرزمین‌های اسلامی توسط نیروهای کفر برای ضربه زدن به یک سرزمین اسلامی دیگر را می‌بینند، از اعتدال سخن بگویند؟

ثالثاً: تحريم تمكين الكفار من الأراضي الإسلامية ضد المسلمين

نحذركم بقول الله تعالى: {وَلاَ تَرْكَنُواْ إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُواْ فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ} [هود: ١١٣]. فكيف بمن يعينهم ويضع أرضه تحت أقدامهم؟ وكما قال النبي: «من مَشَى مع ظالمٍ ليُعِينَهُ، وهو يَعْلَمُ أنه ظالمٌ، فقد خَرَجَ من الإسلام». إن تمكين القواعد العسكرية الأمريكية والإسرائيلية من الانطلاق من أراض إسلامية لقصف إيران هو خيانة عظمى للأمة الإسلامية. أي شرع وأي مروءة تبيح وضع الأرض الإسلامية رهن إشارة الكفار لضرب أبناء الإسلام؟ إن المتخلف عن نصرة المجاهد المدافع عن حرمة بلده، شريك في العدوان ولو تزيا بثياب العلماء.

ثالثاً: تحریم در اختیار قرار دادن سرزمین‌های اسلامی به کفار علیه مسلمانان

شما را به این قول خداوند متعال هشدار می‌دهیم: {و بر ظالمان تکیه نکنید، که موجب می‌شود آتش شما را فرا گیرد} [هود: ۱۱۳]. پس چگونه است حال کسی که به آنها یاری می‌رساند و سرزمینش را زیر پایشان قرار می‌دهد؟ و همانطور که پیامبر (ص) فرمود: «هر کس با ظالمی همراه شود تا او را یاری کند در حالی که می‌داند او ظالم است، از اسلام خارج شده است». در اختیار قرار دادن پایگاه‌های نظامی آمریکایی و اسرائیلی برای حمله به ایران، خیانتی بزرگ به امت اسلام است. کدام شریعت و کدام جوانمردی، قرار دادن سرزمین اسلامی در اختیار کفار برای ضربه زدن به فرزندان اسلام را مباح می‌شمارد؟ کسی که از یاری مجاهدی که از حریم کشورش دفاع می‌کند سر باز زند، شریک در تجاوز است، حتی اگر لباس علما را بر تن کرده باشد.

خاتمة:

ندعو رابطة العالم الإسلامي إلى:

١. إلغاء بياناتها المجحفة بحق إيران.

٢. إصدار بيان صريح بمشروعية الدفاع الجمهورية الإسلامية عن النفس ضد أي معتد، أياً كان.

٣. التحقيق في استخدام القواعد العسكرية في الدول الإسلامية للعدوان على إيران، ومحاسبة المتسببين.

نتیجه‌گیری:

ما از اتحادیه جهان اسلام می‌خواهیم:

۱. بیانیه‌های ناعادلانه خود علیه ایران را لغو کند.

۲. بیانیه‌ای صریح در خصوص مشروعیت دفاع جمهوری اسلامی از خود در برابر هر متجاوزی، از هر کجا که باشد، صادر نماید.

۳. در مورد استفاده از پایگاه‌های نظامی در کشورهای اسلامی برای تجاوز به ایران تحقیق کرده و مسببان آن را مورد بازخواست قرار دهد.

فهرست امضاکنندگان بیانیه

١. الشيخ الدكتور مهدى بن أحمد الصميدعى - مفتى جمهورية العراق (العراق)

٢. أحمد الريسونى - من كبار علماء المغرب، الرئيس السابق للاتحاد العالمى لعلماء المسلمين (المغرب)

٣. العلامة المحدث الشريف سلمان الحسينى الندوى - رئيس جبهة الاتحاد (الهند)

٤. الشيخ الدكتور محمد نمر زغموت - رئيس المجلس الفلسطينى الإسلامى فى الشتات (فلسطين)

٥. الشيخ الدكتور عبد الجليل سالم - رئيس جامعة الزيتونة الأسبق ووزير الشؤون الدينية الأسبق (تونس)

٦. الشيخ أفلح بن أحمد الخليلى - (سلطنة عمان)

٧. الأستاذ الدكتور الشيخ حسين محمد قاسم - رئيس مجلس علماء فلسطين (فلسطين)

٨. الشيخ سلامة عبد القوى - رئيس مؤسسة محراب الأزهر (مصر)

٩. الشيخ غازى حنينه - رئيس مجلس الأمناء فى تجمع العلماء المسلمين (لبنان)

١٠. الشيخ كفاح محمد بطة - مفتى مقاطعة فولغوغراد (روسيا)

١١. مولانا عبد الحق هاشمى - نائب الأمين العام للجماعة الإسلامية، مستشار المحكمة الشرعية العليا (باكستان)

١٢. الشيخ حسان عبد الله - رئيس تجمع العلماء المسلمين (لبنان)

١٣. محمد عزمى عبد الحميد - رئيس المجلس الاستشارى الماليزى للمنظمات الإسلامية (ماليزيا)

١٤. الشيخ ماهر حمود - رئيس الاتحاد العالمى لعلماء المقاومة (لبنان)

١٥. الدكتور محمد هشام سلطان – نائب رئيس اتحاد علماء بلاد الشام (الأردن)

١٦. السيد عبد القادر الحسنى الآلوسى – رئيس مجلس علماء الرباط المحمدى (العراق)

١٧. السيد أحمد محمد شحاتة الحسنى الأزهرى – من علماء الأزهر الشريف (مصر)

١٨. حجت الإسلام والمسلمين راجه ناصر عباس جعفرى – رئيس مجلس وحدة المسلمين (باكستان)

١٩. الشيخ زبير الجعيد – منسق عام جبهة العمل الإسلامى فى لبنان (لبنان)

٢٠. الدكتور عبد الرحمن بن على صالح الحسنى الهاشمى الإدريسى – رئيس مركز الأبحاث والدراسات للوحدة الإسلامية فى بلاد الشام (سوريا)

٢١. الشيخ مصطفى حسين أبو رمان – خطيب وإمام مدينة عمان (الأردن)

٢٢. مفتى محمد داود كاكاخيل – رئيس الاتحادية العلمية معاد صوبه سند (باكستان)

٢٣. مولوى حبيب الله حسام – رئيس شورى الأخوة الإسلامية (أفغانستان)

٢٤. الشيخ أبو الأنوار محمد جرمة خاطر – مرشد، وزير الأسبق للإعلام، والمحافظ الأسبق للعاصمة، والشيخ الصوفى (تشاد)

٢٥. الدكتور السيد شفقت حسين شيرازى – رئيس مجلس الأعمال الإسلامية ومسؤول العلاقات الدولية لحزب مجلس وحدة المسلمين (باكستان)

٢٦. الدكتور عز الدين بالعهد الشيخى – النقيب العام للسادة الأشراف فى ليبيا، عضو فى الملتقى العثمانى للمقاومة (ليبيا)

٢٧. الشيخ عبد المنعم الزين – مدير المركز الاجتماعى الإسلامى (السنغال)

٢٨. زاهر يحيى – رئيس منظمة أهل البيت إندونيسيا (إندونيسيا)

٢٩. عدنان أحمد الجنيد – رئيس ملتقى التصوف الإسلامى (اليمن)

٣٠. الشيخ منصور مندور – كاتب ومحاضر وداعية إسلامى، من علماء الأزهر الشريف (مصر)

٣١. الدكتور يحيى أبو زكريا – المفكر الإسلامى (الجزائر)

٣٢. الشيخ بلال سعيد شعبان – الأمين العام لحركة التوحيد الإسلامى – طرابلس (لبنان)

٣٣. الشيخ زين الدين النقشبندى – مرشد الطريقة العلية النقشبندية فى كردستان العراق (العراق)

٣٤. أحمد رضا فاروقى – إمام وخطيب محكمة العليا (بنگلاديش)

٣٥. البروفيسور الدكتور عمر عزيز بايندير – رئيس مؤسسة سليمانية (تركيا)

٣٦. الشيخ غلام على أياو – إمام جمعة مسجد الهدى، تايانج نشن، بانكوك (تايلند)

٣٧. الشيخ أبو بكر إمام تيكانى – باحث إسلامى (الكاميرون)

٣٨. حسن شهاب – رئيس مجلس شورى لمنظمة أهل البيت إندونيسيا (إندونيسيا)

٣٩. على بيرال – كاتب ومحاضر، مؤسس ورئيس الوقف العلوى فى أنطاكيا (تركيا)

٤٠. السيد محمد بن جعفر – رئيس مركز جعفر بن المهدى الشعماوى للدراسات الإسلامية ونشر ثقافة المحبة (موريتانيا)

٤١. مولوى عبد الرؤوف توانا – رئيس الكانون العلمى الثقافى الشهيد توانا (أفغانستان)

٤٢. الشيخ الشريف وليد حسن الأدريسى – نائب مفتى مقاطعة فولغوغراد (روسيا)

٤٣. الشيخ حسن قناعتلى – رئيس اتحاد مجمع أهل البيت فى تركيا (تركيا)

٤٤. الدكتور إسلام أوزكان – باحث إسلامى وأستاذ فى الجامعة (تركيا)

٤٥. الشيخ عبد الله الدقاق – عالم دين بحرانى، أستاذ الدراسات العليا والبحث الخارج فى الحوزة العلمية (البحرين)

٤٦. سيد عبد الله العريضى الهندوان – دكتوراه فى الدراسات الإسلامية، عالم من جاوة الوسطى (إندونيسيا)

٤٧. الشيخ سعيد قاسم – رئيس منتدى الوعى المقاوم (فلسطين)

٤٨. الشيخ الدكتور محمد صالح الموعد – الناطق الرسمى لمجلس علماء فلسطين (فلسطين)

٤٩. الشيخ عبد الجبار الفهداوى – مدير إدارة مجلس علماء الرباط المحمدى (العراق)

٥٠. الشيخ أبو بكر مشلاوى – المنسق العام للتيار الإسلامى المقاوم (فلسطين)

٥١. الشيخ محمد قدورة – عضو الهيئة الإسلامية الفلسطينية، رئيس مركز بدر الفكرى (فلسطين)

٥٢. الشيخ أحمد غريب – رئيس هيئة العمل من أجل الوحدة والتغيير

٥٣. الشيخ محمد رجب عابدين – رئيس التجمع الإعلامى لنصرة فلسطين فى التيار الإسلامى المقاوم (فلسطين)

٥٤. الشيخ عبد الرحمن ناجى (لبنان)

۵۵. الشیخ عبد الحمید الحلو – منسق العلاقات الإعلامیة فی التیار الإسلامی المقاوم (لبنان)

٥٦. الشیخ عمر القوال – عضو الهیئة العامة فی تجمع العلماء المسلمین (لبنان)

۵۷. الشیخ عبد الرحمن مطر – عضو الهیئة العامة فی تجمع العلماء المسلمین (لبنان)

۵۸. الشیخ عبد الفتاح الأیوبی – عضو الهیئة العامة فی تجمع العلماء المسلمین (لبنان)

۵۹. الشیخ محمد درویش – إمام مسجد عمر ابن الخطاب – طرابلس (لبنان)

٦٠. الشیخ سامی الحاج أحمد – عضو الهیئة العامة لتجمع العلماء المسلمین (لبنان)

۲/۲. کنشگری شجاعانه علمای اهل سنت ایران

ارسال نامه اعتراضی از سوی ۹۰ عالم اهل سنت از ۱۰ استان ایران به رابطة العالم الإسلامی، یک گام تاریخی است که چند پیام مهم دارد:

پیام اول: علمای اهل سنت ایران به عنوان شهروندان کشوری که مورد تهدید قرار گرفته، موضعی مستقل و از سر آگاهی دارند.

پیام دوم: پرسش قیاسی که این علما مطرح کردند عمیقاً اقناع کننده است: «اگر پایگاه‌های نظامی همسایه برای بمباران کشور شما استفاده می‌شد چه می‌کردید؟» این پرسش هر مسلمانی را به جای تأمل در موضع منطقی دفاع ملی می‌گذارد.

پیام سوم: این نامه نشان می‌دهد که اتهام «ابزار بودن اهل سنت ایران» که دشمنان مطرح می‌کنند بی‌اساس است؛ چرا که این علما از روی اراده آزاد و استدلال مستقل موضع می‌گیرند.

متن نامه به این شرح است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ

بیانیه علمای اهل سنت ایران خطاب به رابطة العالم الإسلامی

الحمد لله ربّ العالمین و الصلاة و السلام علی سیدنا و مولانا محمد و علی آله و أصحابه أجمعین.

ما جمعی از علمای اهل سنت جمهوری اسلامی ایران، به عنوان بخشی از امت بزرگ اسلامی، و از سر احساس مسئولیت دینی و انسانی، با تأسف شدید از موضع‌گیری اخیر «رابطة العالم الاسلامی» درباره جمهوری اسلامی ایران، این موضع را ناعادلانه، جانبدارانه و مغایر با معیارهای شرعی و اخلاقی می دانیم و نکات زیر را یادآور می‌شویم:

بسم الله الرحمن الرحیم

محضر عالیجناب شیخ دکتر محمد بن عبد الکریم العیسی، دبیرکل رابطة العالم الإسلامی (حفظه‌الله)

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته

ما علمای اهل سنت و جماعت در ایران، با نهایت تقدیر و احترام به حضرت‌عالی، تلاش‌های رابطة العالم الإسلامی را در خدمت به مسائل امت اسلامی بسیار ارج می‌نهیم. همچنین به مقام علمی بلند و اندیشه روشن شما ایمان داریم، چراکه شما از بزرگان و اندیشمندان برجسته جهان اسلام به شمار می‌روید.

ما معتقدیم عربستان سعودی و ایران دو بال جهان اسلام‌اند، و تقویت پیوندهای برادری و همکاری میان آن‌ها به سود همه امت اسلامی است. ما همواره در پی تقویت ارتباط و گفت‌وگوی سازنده‌ای هستیم که دیدگاه‌ها را به یکدیگر نزدیک کند.

در همین چارچوب، با اندوه، برخی از بیانیه‌های اخیر صادرشده از سوی رابطة العالم الإسلامی را محکوم می‌کنیم؛ بیانیه‌هایی که شامل اتهاماتی بود که از نگاه ما دقیق و منصفانه نبود. این سخنان در زمانی بیان شده‌اند که امت بیش از هر زمان دیگری به وحدت و همبستگی در برابر چالش‌های بزرگ نیاز دارد.

نبرد حقیقی که امت ما با آن روبه‌رو است، نبرد اسلام با نیروهای کفر و استکبار است که محور آمریکایی ـ صهیونیستی آن را رهبری می‌کند. در چنین شرایطی، انتشار بیانیه‌هایی که واکنش‌های دفاعی مشروع را مورد انتقاد قرار می‌دهد، در حالی که از جنایات بزرگی که علیه مسلمانان رخ می‌دهد چشم‌پوشی می‌شود ـ از جمله ترور شخصیت‌های دینی و علمی و هدف قرار دادن مدارس و خانه‌های امن که به شهادت بی‌گناهان انجامیده ـ مایه شگفتی است.

ما بر حق شرعی و قانونی دفاع از نفس تأکید می‌کنیم؛ حقی که اسلام، همه شرایع آسمانی و قوانین بین‌المللی بر آن صحه گذاشته‌اند. چگونه ممکن است کسی که از این حق استفاده می‌کند سرزنش شود، اما از مهاجم اصلی و پایگاه‌های نظامی‌ای که حملات از آن‌ها انجام می‌شود چشم‌پوشی گردد؟

حقایقی که مایلیم روشن کنیم:

اولاً: حملاتی که از سوی نیروهای ایرانی انجام شد، تنها بر اهداف نظامی‌ای متمرکز بود که دشمن برای حمله به سرزمین‌های اسلامی از آن‌ها استفاده کرده بود، و هیچ‌گاه تأسیسات صرفاً غیرنظامی هدف قرار نگرفت.

۱

۱. دعوت به تقوای الهی و انصاف در داوری

از رابطة العالم الاسلامی انتظار داریم در مواضع خود، تقوای الهی و بی‌طرفی علمی و شرعی را رعایت کند. سزاوار نیست نهادی که باید مدافع مظلومان و صدای امت اسلامی باشد، خود در کنار متجاوزان بایستد. قرآن کریم می‌فرماید:

«وَلاَ یَجْرِمَنَّکُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ عَلَی‌أَلاَّ تَعْدِلُوا. اِعْدِلُوا هُوَأَقْرَبُ لِلتَّقْوَی»مائده: ۸

۲. تبیین مشروعیت دفاع ایران

آنچه جمهوری اسلامی ایران در پاسخ به تجاوز نظامی آمریکا و اسرائیل انجام داد، مصداق روشن «دفاع مشروع» است که مطابق با صریح آیات قرآن و اجماع علمای اسلام، حقی مسلم و واجب شرعی بر هر ملتی است که مورد تهاجم قرار گیرد.

اسلام اجازه نمی‌دهد مسلمانان در برابر تجاوز ساکت بمانند. خداوند متعال می‌فرماید:

«أُذِنَ لِلَّذِینَ یُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظُلِمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَی نَصْرِهِمْ لَقَدِیرٌ»حج: ۳۹

بنابراین، هر نوع محکومیت اقدام دفاعی ایران، مخالفت با یک اصل قطعی اسلامی است.

۳. تحریم همکاری با متجاوزان

ما بر اساس تعالیم صریح قرآن و سنت، هر گونه همکاری و همراهی با قدرت‌های متجاوز در حمله به کشورهای اسلامی را حرام می‌دانیم.

خداوند می‌فرماید:

«وَلاَ تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ» (هود: ۱۱۳)

هیچ کشوری حق ندارد سرزمین اسلامی خود را در اختیار رژیم‌های متجاوز قرار دهد تا از آن برای هدف قرار دادن کشوری مسلمان استفاده کنند. چنین اقدامی خیانتی بزرگ به امت اسلام و نقض بیّن تعالیم قرآن و سنت است.

٤. مسئولیت رابطة العالم الاسلامی

از نهادی با سابقه دینی مانند «رابطة العالم الاسلامی» انتظار می‌رود به جای دنباله‌روی از سیاست‌های قدرت‌های سلطه گر، از موضع امت اسلامی دفاع کند و صدای وحدت بین مسلمانان باشد، نه ابزار تفرقه. ما یادآور می‌شویم بی عدالتی در داوری نسبت به ایران، به وحدت امت اسلامی لطمه می‌زند و موجب خرسندی دشمنان اسلام می‌شود.

۵. موضع اهل سنت ایران در برابر دشمنان اسلام

علمای اهل سنت ایران در کنار دیگر اقشار ملت مسلمان و انقلابی ایران، هرگونه تجاوز به خاک اسلامی را محکوم می‌کنند و دفاع از کشور اسلامی و حریم امت را فریضه شرعی می‌دانند. ما اعلام می‌کنیم که اتحاد مسلمانان و مقابله با استعمار و صهیونیسم، یگانه راه حفظ عزت امت است.

در پایان، ما از رابطة العالم الاسلامی می‌خواهیم:

۱. بیانیه اخیر خود در محکومیت جمهوری اسلامی ایران را پس بگیرد.

۲. موضعی عادلانه و مطابق با موازین شرعی اتخاذ کند.

۳. کشورهایی را که پایگاه‌های خود را در اختیار آمریکا و اسرائیل برای تجاوز به ایران قرار داده‌اند، مورد بازخواست قرار دهد.

٤. در مسیر احیای «امت واحده اسلامی» گام بردارد و از تفرقه‌افکنی بپرهیزد.

امضاکنندگان:

گروهی از علمای اهل سنت استان‌های کردستان، سیستان و بلوچستان، کرمانشاه، خراسان، گلستان، خوزستان، هرمزگان، و بوشهر.

محور سوم: واقعیات میدانی «جنگ رمضان» و انزوای بین‌المللی آمریکا

۳/۱. تغییر موازنه قدرت و اهرم‌های فشار

• تنگه هرمز؛ سلاح استراتژیک واقعی:

تنگه هرمز که روزانه بین ۲۰ تا ۳۰ درصد از کل تجارت نفت جهان از آن عبور می‌کند، به عنوان اهرم فشار استراتژیک در این نبرد شناخته شده است. تحلیل‌گران غربی آن را با عنوان «سلاح هسته‌ای واقعی ایران» توصیف می‌کنند؛ چرا که بستن آن می تواند اقتصاد جهانی را فلج کند. این اهرم بدون شلیک یک گلوله، دست مذاکره‌کنندگان ایرانی را در دیپلماسی پر می‌کند.

• تنگه هرمز؛ موازنه قدرت و سلاح استراتژیک در ژئوپلیتیک جهانی

تنگه هرمز، نه تنها یک آبراه تجاری، بلکه شریان حیاتی اقتصاد بین‌الملل و یکی از مهم‌ترین نقاط استراتژیک در جغرافیای سیاسی جهان به شمار می‌رود. بر اساس آمارهای جهانی انرژی، روزانه بین ۲۰٪ تا ۳۰ ٪ از کل تجارت نفت خام و فرآورده‌های نفتی جهان از این گذرگاه باریک عبور می‌کند. به همین دلیل، تحلیل‌گران غربی و استراتژیست‌های نظامی، توانایی کنترل بر این تنگه را با عنوان «سلاح هسته‌ای واقعی ایران» توصیف می کنند؛ چرا که هرگونه اختلال جدی در روند عبور و مرور دریایی در این منطقه، پتانسیل آن را دارد که بازارهای جهانی انرژی را دچار شوک قیمتی بی‌سابقه‌ای کرده و اقتصاد جهانی را با بحرانی فلج‌کننده مواجه سازد.

• ابعاد استراتژیک و دیپلماتیک تنگه

این موقعیت جغرافیایی منحصربه‌فرد، به عنوان یک اهرم بازدارندگی قدرتمند و نامتقارن عمل می‌کند. در عرصه دیپلماسی بین‌المللی، تسلط بر تنگه هرمز این امکان را فراهم می‌آورد تا بدون نیاز به شلیک حتی یک گلوله یا ورود به درگیری نظامی مستقیم، دست برتر در میز مذاکرات حفظ شود. این قدرتِ مانور، ابزاری است که وزن ژئوپلیتیک ایران را در معادلات منطقه‌ای و جهانی به شدت افزایش داده و هزینه هرگونه تقابل نظامی را برای بازیگران فرامنطقه‌ای به‌شدت بالا می‌برد.

• **تلاش‌های ناموفق ترامپ برای خنثی‌سازی اهرم تنگه هرمز**

اهمیت بنیادین این آبراه در دوران ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ و در چارچوب سیاست «فشار حداکثری» بیش از پیش نمایان شد. در آن مقطع، با افزایش تنش‌ها در خلیج فارس، دولت ترامپ تلاش کرد تا با تشکیل یک ائتلاف دریایی بین‌المللی تحت عنوان «ائتلاف امنیت دریایی» ، امنیت کشتیرانی در تنگه هرمز را بدون در نظر گرفتن نقش ایران تأمین کرده و عملاً اهرم فشار استراتژیک ایران را خنثی سازد. با این حال، این تلاش‌ها با موانع و شکست های جدی مواجه شد:

. عدم همراهی هم‌پیمانان استراتژیک: بسیاری از کشورهای اروپایی و متحدان سنتی آمریکا (نظیر آلمان و فرانسه)، از ترس تشدید تنش‌ها و وقوع یک درگیری تمام‌عیار که امنیت انرژی آن‌ها را به خطر می‌انداخت، از پیوستن به این ائتلاف نظامی خودداری کردند. این امر نشان داد که اروپا حاضر نیست امنیت انرژی خود را قربانی سیاست‌های تهاجمی واشنگتن کند.

۲. تثبیت معادله بازدارندگی: علیرغم حضور ناوگان نظامی آمریکا و مانورهای رسانه‌ای، ایران توانست با تکیه بر تسلط جغرافیایی و قابلیت‌های نامتقارن دریایی (نظیر قایق های تندرو و سامانه‌های موشکی ساحل به دریا)، نشان دهد که امنیت این تنگه بدون حضور و رضایت ایران قابل تأمین نیست.

۳. شکست در تغییر معادلات ساختاری: تلاش‌های واشنگتن برای جایگزین کردن مسیرهای انتقال انرژی (مانند خطوط لوله از عربستان و امارات) به عنوان جایگزین تنگه هرمز، به دلیل ظرفیت محدود این خطوط و هزینه‌های گزاف، نتوانست وابستگی اقتصاد جهانی به این تنگه را از بین ببرد.

در نهایت، تنگه هرمز همچنان به عنوان یک اهرم بی‌بدیل بر بالای سر اقتصاد مبتنی بر انرژی جهان باقی مانده است. تجربه دولت ترامپ اثبات کرد که تلاش‌های قدرت‌های فرامنطقه‌ای برای دور زدن این گلوگاه یا کاهش این وابستگی استراتژیک با شکست مواجه شده و این آبراه همچنان نقطه کانونی در توازن قدرت و بازدارندگی مؤثر در منطقه محسوب می‌شود.

موفقیت‌های پدافند هوایی:

سرنگونی جنگنده‌های متجاوز توسط سیستم پدافندی آن هم در انواع مختلف آن اعم از ۱۷۰ پهپاد تا اف۳۵ و ... ، نشانه‌ای از بلوغ نظامی است که بازدارندگی را در سطحی جدید تعریف می‌کند. این دستاورد نشان می‌دهد که هزینه تجاوز نظامی به ایران به مراتب بالاتر از آن است که محاسبات اولیه دشمن پیش‌بینی می‌کرد.

۳/۲.جبهه سایبری مقاومت

عملیات انتقام‌جویانه گروه هکری حنظله علیه زیرساخت های فولادی منطقه، از جمله فولات بحرین و SULB عربستان، پیامی روشن دارد: همکاری با پایگاه‌های نظامی بیگانه هزینه دارد. این عملیات در چند لایه قابل تحلیل است:

- **لایه نظامی:** ضربه به زیرساخت‌های صنعتی که می‌توانند از آن‌ها در تولید تجهیزات دفاعی استفاده شود
- **لایه اقتصادی:** ایجاد خسارت مالی برای کشورهایی که پایگاه‌های خود را در اختیار بیگانگان گذاشته‌اند
- **لایه روانی:** ارسال پیام بازدارندگی به دیگر کشورهایی که ممکن است چنین مسیری را در پیش بگیرند

۳/۳. تداوم مقاومت در لبنان

شیخ نعیم قاسم، دبیرکل حزب‌الله لبنان، با صراحت اعلام کرد که ۱۵ ماه صبر در برابر نقض مکرر عهدهای اسرائیل، راه به جایی نبرده و مقاومت تنها راهکار باقی‌مانده است. این موضع چند واقعیت را برجسته می‌کند:

- اسرائیل به تعهدات خود پایبند نیست و هرگونه تفاهم بدون ضمانت اجرایی بی‌ارزش است
- مقاومت نه از روی جنگ‌طلبی بلکه از سر ضرورت ادامه می‌یابد
- معادله بازدارندگی در لبنان به گونه‌ای تغییر کرده که پرهزینه‌ترین گزینه برای اسرائیل، تداوم تجاوز است

۳/۴. اعترافات غرب به انزوای آمریکا

شاخص‌های متعددی از افول هژمونی آمریکا در این بحران قابل مشاهده است:

در سطح اروپا:

وتوی مداخله نظامی ناتو توسط اسپانیا نشان می‌دهد که اتحاد غرب در قبال این بحران دچار شکاف شده است. کشورهای اروپایی که خود را در معرض پیامدهای اقتصادی بستن تنگه هرمز می‌بینند، دیگر حاضر به دنباله‌روی کورکورانه از واشنگتن نیستند.

در سطح آسیا:

باز بودن تنگه هرمز برای عبور نفتکش‌های چینی، در حالی که آمریکا از محاصره دریایی سخن می‌گوید، نشان دهنده ناتوانی واشنگتن در ایجاد اجماع بین‌المللی است.

در سطح تحلیل‌گران آمریکایی:

اعتراف هیلاری کلینتون به ضعف آمریکا و تحلیل جان مرشایمر مبنی بر پیروزی ایران از موضع نظریه واقع‌گرایی در روابط بین‌الملل، و گزارش نیویورک تایمز از تضعیف چهارجانبه هژمونی واشنگتن در منطقه، همگی نشانه‌هایی از یک تحول ساختاری در نظم بین‌المللی هستند.

تضعیف چهارجانبه هژمونی آمریکا:

در تمام چهار بُعد، شاخص‌های قدرت آمریکا در حال کاهش است. این تضعیف همزمان و چندجانبه، یک بحران ساختاری است نه صرفاً یک شکست تاکتیکی.

محور چهارم: مذاکرات اسلام‌آباد؛ دیپلماسی از موضع قدرت

۴/۱. چارچوب و فرآیند مذاکرات

مذاکرات سه‌جانبه با میانجیگری پاکستان که ۲۱ ساعت به طول انجامید، نشانه‌ای مهم از اهمیت مذاکره و برقراری آتش بس برای امریکا است. دیدار فرمانده ارتش پاکستان عاصم منیر با رئیس مجلس شورای اسلامی محمدباقر قالیباف در این مذاکرات، نشان می‌دهد که پاکستان یک انتخاب راهبردی کرده و آن قرار گرفتن در نقش میانجی است نه طرف درگیر.

۴/۲. شش محور اساسی مذاکرات

مذاکرات بر شش محور کلیدی متمرکز بود:

- پایان جنگ در همه جبهه‌ها، جامعیت صلح نه صرفاً آتش بس، خطوط قرمز ثابت
- لغو تحریم‌ها، پیش‌شرط اقتصادی، تضمین‌های بین‌المللی لازم
- غرامت، به رسمیت شناختن خسارات، اصل مورد تأکید
- وضعیت تنگه هرمز ، مهم‌ترین اهرم فشار، هیچ تعهد یک طرفه‌ای قابل قبول نیست
- پرونده هسته‌ای، موضوع محوری، حق برخورداری از انرژی صلح‌آمیز
- تضمین امنیتی، پایداری توافق، ضمانت‌های بین‌المللی

۴/۳. راهبرد مقاومت در میز مذاکره

هدف آمریکا از این مذاکرات، سنجش آستانه تحمل تهران و کشف خطوط قرمز واقعی آن بود. اما ایستادگی قاطع هیئت ایرانی بر خطوط قرمز، به‌ویژه در موضوع تنگه هرمز و پرونده هسته‌ای، یک پیام راهبردی روشن داشت: مقاومت به دنبال تبدیل دستاوردهای میدانی به منافع پایدار سیاسی است نه فروش آن‌ها در ازای وعده.

این رویکرد با یک اصل مهم در نظریه مذاکره همخوانی دارد: هرچه موضع میدانی قوی‌تر باشد، موضع مذاکراتی قوی‌تر خواهد بود. ایران با حفظ اهرم‌های فشار خود در حین مذاکره، از این اصل به درستی بهره برده است.

محور پنجم: همگرایی ادیان توحیدی و شکل‌گیری «هویت بقا»

۵/۱. شکاف در جبهه غرب؛ تقاطع ترامپ و پاپ

مواضع شجاعانه پاپ لئو چهاردهم در مخالفت با نابودی تمدن‌ها و محکومیت جنایات جنگی، یکی از مهم‌ترین رویدادهای دیپلماسی دینی این دوره است. حمله عصبی ترامپ به پاپ در پاسخ به این مواضع، خود گویای اهمیت این موضع‌گیری است.

اهمیت تقدیر مراجع شیعه از مواضع پاپ:

آیت‌الله نوری همدانی و مقامات ارشد ایران مانند رئیس جمهور آقای مسعود پزشکیان با تقدیر از مواضع ضدجنگ پاپ، یک پیام راهبردی مهم ارسال کردند: خط تقسیم واقعی جهان، خط میان تمدن‌های مختلف نیست بلکه خط میان عدالت‌خواهی و ظلم است. این پیام ظرفیت بزرگی برای همگرایی ادیان ابراهیمی علیه پروژه‌های نظامی‌گری و صهیونیسم را آشکار می‌کند.

۵/۲. «هویت بقا»؛ از احساس اضطراری به روایت تمدنی پایدار

در شرایط عادی، جوامع دارای شکاف‌ها و هویت‌های متکثری هستند (مانند تفاوت‌های قومی، مذهبی، طبقاتی و سیاسی). اما زمانی که یک «تهدید وجودی» کلیت جامعه را هدف قرار می‌دهد، غریزه صیانت از ذات بیدار می‌شود. در این نقطه، اختلافات فرعی به حاشیه رفته و افراد جامعه به یک درک مشترک می‌رسند: «یا با هم زنده می‌مانیم، یا با هم نابود می‌شویم.»

این هم‌سرنوشتی، هویتی یکپارچه اما واکنشی به نام «هویت بقا» ایجاد می‌کند. در این حالت، جامعه به بالاترین سطح از همبستگی دست می‌یابد تا بتواند در برابر عامل تهدیدکننده خارجی مقاومت کند.

۲. ماهیت ناپایدار و گذارای هویت اضطراری

چالش اصلی «هویت بقا» در نیروی محرکه آن نهفته است. از آنجا که این انسجام، واکنشی به یک «ترس مشترک» و «خطر فوری» است، به محض اینکه سایه تهدید از بین برود یا کمرنگ شود، چسبِ نگهدارنده جامعه نیز خاصیت خود را از دست می‌دهد. با بازگشت شرایط به حالت عادی، جامعه مجدداً به تنظیمات پیشین خود بازگشته و شکاف‌ها، رقابت‌ها و هویت‌های خُرد دوباره سر بر می آورند. بنابراین، اتکای صرف به هویت بقا برای حفظ وحدت یک ملت یا امت، استراتژی شکننده‌ای است.

۳. نقش نخبگان: گذار از «اضطرار» به «روایت تمدنی»

نخبگان، متفکران و علما وظیفه دارند این «فرصتِ وحدتِ موقت» را مصادره کرده و آن را از یک واکنش احساسی و تدافعی، به یک کنش آگاهانه و ایجابی تبدیل کنند. این کار از طریق خلق «روایت تمدنی» صورت می‌گیرد.

روایت تمدنی چیست؟ به جای اینکه جامعه صرفاً بداند «در برابر چه چیزی می‌جنگد» (هویت سلبی)، باید به این درک برسد که «برای چه چیزی ایستادگی می‌کند» (هویت ایجابی).

تبدیل هویت بقا به روایت تمدنی یعنی گره زدن این همبستگی موقت به ارزش‌های تاریخی، اخلاقی، فرهنگی و دینی مشترک. وقتی این اتفاق بیفتد، انسجام جامعه دیگر وابسته به حضور یک دشمن یا تهدید خارجی نیست، بلکه مبتنی بر یک چشم‌انداز مشترک برای آینده و ساخت یک تمدن یکپارچه است.

نتیجه‌گیری

این تحلیل در حقیقت هشداری راهبردی است: بحران‌ها و تهدیدات، فرصتی بی‌نظیر برای متحد کردن جوامع پراکنده (مانند امت اسلامی) فراهم می‌کنند. اما اگر سیستم نخبگانی جامعه نتواند این وحدتِ برآمده از «ترس و بقا» را به وحدتی برآمده از «آرمان و تمدن» تبدیل کند، این انسجام با عبور از بحران از هم فرو خواهد پاشید. پایدارسازی این پیوند، نیازمند نظریه‌پردازی، تولید ادبیات مشترک و نهادینه‌سازی ارزش‌های جمعی است.

۵/۳. مؤلفه‌های روایت تمدنی پایدار

برای تبدیل انسجام موقت به پایه تمدنی، علمای اسلامی باید روی چند مؤلفه کار کنند:

مؤلفه اول: روایت مشترک از دشمن مشترک

صهیونیسم نه فقط تهدیدی برای فلسطینیان، بلکه تهدیدی برای کل تمدن اسلامی و حتی ادیان ابراهیمی دیگر است. این روایت باید در متون دینی، خطبه‌های جمعه و آموزش عمومی تثبیت شود.

مؤلفه دوم: تاریخ مشترک وحدت

برجسته‌سازی لحظات تاریخی که شیعه و سنی در کنار هم ایستادند، از جمله جنبش‌های استقلال‌خواهانه قرن بیستم، یک پایه روایی قوی برای وحدت معاصر فراهم می‌کند.

مؤلفه سوم: چشم‌انداز مشترک از آینده

امت اسلامی نیاز به یک چشم‌انداز مشترک از جهان پس از استکبار دارد. این چشم‌انداز باید از مرحله دفاعی به مرحله سازندگی تمدنی برسد.

مؤلفه چهارم: نهادهای مشترک

تقویت نهادهای فراملی اسلامی که فارغ از اختلافات مذهبی بتوانند موضع مشترک اتخاذ کنند، ضروری است.

امروز رسالت اصلی نخبگان شیعه و سنی در چهار محور تعریف می‌شود:

محور اول: پدافند روایی

مقابله با روایت‌های جعلی وهابیت با استفاده از ابزارهای فقهی، تاریخی و میدانی. هر عالم باید بتواند با زبانی ساده و مستند، دروغ‌های پروژه تفرقه را برای مخاطبان خود آشکار کند.

محور دوم: تثبیت مرزبندی حقیقی

مرز حقیقی در جهان امروز «جبهه مستضعفین در برابر استکبار» است نه «شیعه در برابر سنی». این مرزبندی باید در خطاب‌های دینی، آموزش مدارس علمیه و گفتگوهای عمومی تثبیت شود.

محور سوم: تبدیل دستاورد به پایه

دستاوردهای میدانی و انسجام اجتماعی شکل‌گرفته، سرمایه ای است که باید به پایه‌های استوار «تمدن نوین اسلامی» تبدیل شود. این کار با خطابه و شعار محقق نمی‌شود بلکه نیازمند کار نهادی، علمی و فرهنگی پیوسته است.

محور چهارم: شبکه‌سازی فراملی

علمای اسلامی باید از فرصت بیداری مشترک استفاده کرده و شبکه‌های ارتباطی فراملی را تقویت کنند. الگوی بیانیه ۶۰ عالم از ۲۷ کشور باید نه یک استثنا بلکه یک رویه مستمر شود.

نتیجه‌گیری کلان: امت اسلامی در حساس‌ترین مقطع تاریخ معاصر خود قرار دارد. جنگ رمضان نه فقط یک نبرد نظامی بلکه یک آزمون تمدنی است. پاسخ به این آزمون در گرو توانایی علما و نخبگان برای تبدیل انسجام اضطراری به انسجام تمدنی پایدار است. هر عالمی که در این لحظه سکوت کند یا در بند اختلافات فرعی بماند، در واقع به سود پروژه تفرقه و علیه امت خود عمل کرده است.

«جهان اسلام امروز در میانه یک پیچ تاریخی بی‌سابقه و در حساس‌ترین و سرنوشت‌سازترین مقطع از تاریخ معاصر خویش ایستاده است؛ مقطعی که نظم پیشین در حال دگرگونی است و جایگاه آینده جوامع اسلامی در هندسه قدرت جهانی رقم می‌خورد. بر این اساس، رویدادهایی نظیر نبرد رمضان را نباید به سطح یک مناقشه محدود ژئوپلیتیک یا یک درگیری نظامی متعارف و سخت‌افزاری تقلیل داد؛ بلکه این تقابل، در عمق و ذات خود یک «آزمون بزرگ تمدنی» است. در این کارزار، تنها مرزهای جغرافیایی و منافع مادی نیستند که مورد هدف قرار گرفته‌اند، بلکه هویت، بقا، اصالت و تاب‌آوریِ ارزش‌های بنیادین تمدن اسلامی در بوته یک آزمایش تاریخی قرار گرفته است.

عبور موفقیت‌آمیز و سرافرازانه از این گذرگاه صعب‌العبور، بیش از آنکه متکی بر قدرت میدانی باشد، نیازمند یک بازآفرینی فکری و هویتی است که رسالت آن مستقیماً بر دوش نخبگان، اندیشمندان و علمای امت قرار دارد. جوامع انسانی در مواجهه با تهدیدات وجودی و خطرات مشترک، به صورت غریزی به یک همبستگی موقت و واکنشی دست می‌یابند که می‌توان آن را «انسجام اضطراری» نامید. با این حال، این انسجامِ مبتنی بر بقا، ذاتاً ناپایدار است و با فروکش کردن بحران کمرنگ می‌شود. هنر و مأموریت استراتژیک رهبران فکری در این بزنگاه آن است که این پیوندِ ناشی از اضطرار را صیقل داده، مبانی نظری آن را تبیین کرده و آن را به یک «انسجام تمدنی پایدار»، ایجابی و استوار بر آرمان‌های مشترکِ امت ارتقا بخشند.

در چنین کارزار هویتی عظیمی که کیانِ کلیتِ اسلام در میان است، مفاهیمی چون بی‌طرفی یا تمرکز بر حاشیه‌ها، معنایی جز تسلیم ندارند. هر عالمی که در این برهه خطیر، رسالت روشنگری خود را وانهاده و در برابر هجمه‌ها ردای سکوت بر تن کند، یا بدتر از آن، انرژی و ظرفیت فکری جامعه را در هزارتوی اختلافات فرعی، منازعات تاریخی و شکاف‌های مذهبی محبوس سازد، عملاً قطب‌نمای بصیرت را از دست داده است. چنین رویکردی، خواسته یا ناخواسته، تکمیل‌کننده پازلِ دشمنان و خدمت به «پروژه تفرقه» است. در هنگامه تهدیدِ موجودیتِ امت، غفلت از صف‌بندیِ اصلی و درگیر شدن در منازعات داخلی، نه یک خطای محاسباتی ساده، بلکه خنجری بر پیکره همبستگی اسلامی و تقابلی آشکار با مصالح عالیه امت محسوب می‌شود.»

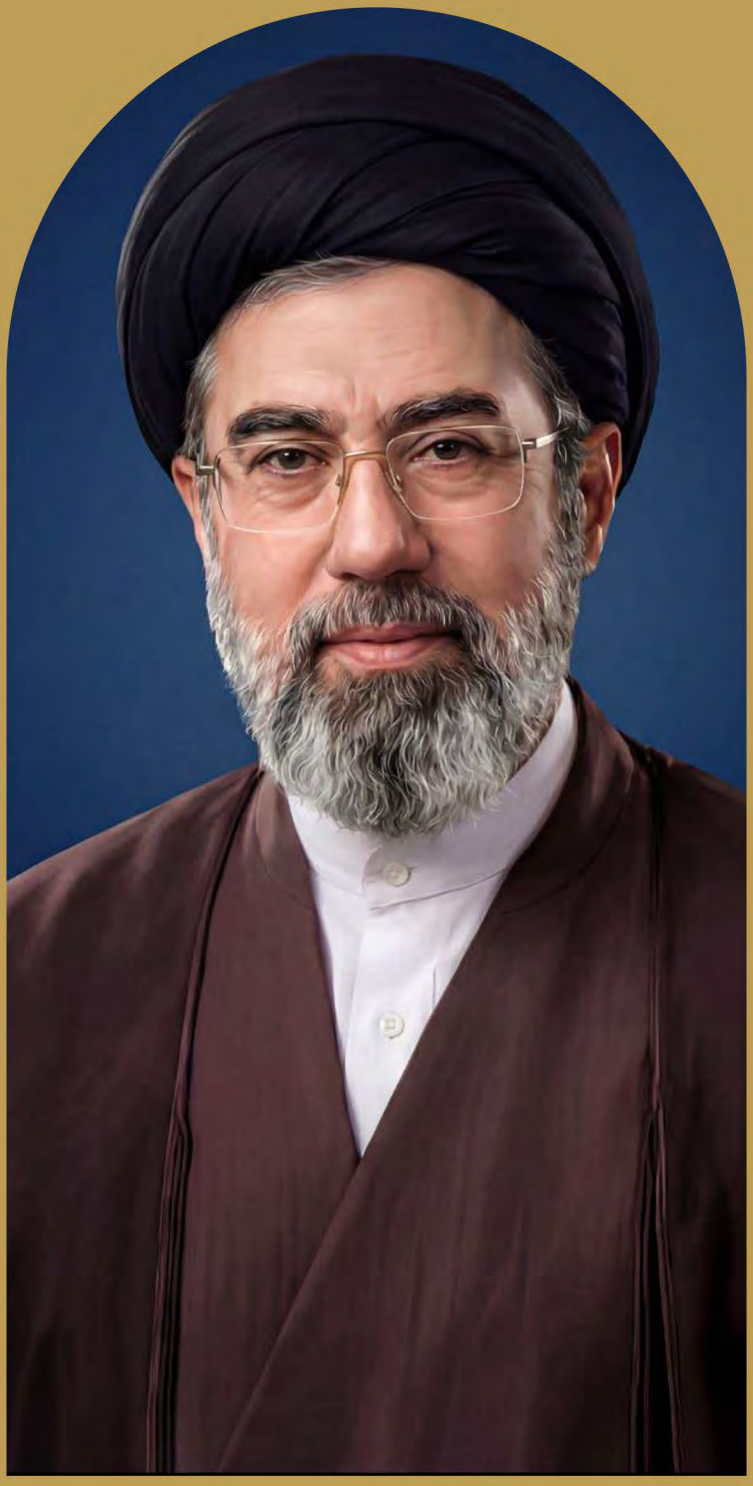

مُنادیانِ اُمّت

دو هفته نامه منادیان امت | شماره بیست و شش | نیمه اول اردیبهشت ماه ۱۴۰۵

دبیرخانه شورای برنامه ریزی مدارس علوم دینی اهل سنت
اداره کل ادیان و مذاهب سازمان تبلیغات اسلامی